

## در حاشیه‌ی سخنان جو بایدن

حسن ماورانی

جنبش سراسری ملل ایران با شعار "زن، زندگی، آزادی" توانست به شیوه‌ای بی نظیر، افکار عمومی آمریکا و اروپا را به همیاری جلب کند. سردمداران دول اروپایی و آمریکا به ناچار دیپلوماسی خود را در رابطه با ایران، که همواره بر اساس زد و بندهای تجاری و سیاسی پشت پرده جریان داشت، تغییر دادند.

کانادا و استرالیا که در حقیقت به بهشتی برای انتقال اقوام و ایادی جنایتکاران و انتقال پولهای دزدیده شده از ملل ایران تبدیل شده بودند، به خاطر افکار عمومی شهروندانشان که آشکارا حمایت از خیزش فراگیر مردم ایران را خواهان است، دست به اقداماتی جدی بر علیه جنایتکاران در تهران زدند. وزرای خارجه‌ی چند کشور قدرتمند اروپا، از جمله آلمان، فرانسه و سوئد حمایت خود را از جنبش آزادیخواهی در ایران اعلام کردند.

آمریکا که از زمان روی کار آمدن بایدن همواره در صدد آرایش چهره‌ی نکبت بار جمهوری اسلامی بود و با امید فراوان به توافق با ایران تلاش میکرد به نحوی رژیم جمهوری اسلامی را از تحریمها نجات دهد، با امواج رو به گسترش همدلی مردم آمریکا و با توجه به رای دهندگان ایرانی مقیم آمریکا، در ابتدا دست به عصا تلاش میکرد که هم جمهوری اسلامی را نرنجاند و هم افکار عمومی را، به شیوه‌ای بی سابقه ناتوان از شفاف کردن موضعگیری خود شد؛ تا بالاخره در جریان مبارزات انتخاباتی دوره دوم، که بر انتخابات ریاست جمهوری در دو سال آینده تأثیر گذار است، آقای بایدن سیاستی دوپهلوی را در یک دو جمله و با دو فاعل مختلف بیان کرد. ایشان گفتند:

"ایران را آزاد میکنیم. ایرانیها خود را آزاد خواهند کرد."

البته گمانی در این نیست که ایرانیها تنها خودشان میتوانند خود را آزاد کنند. اما این بیانات آقای بایدن، هم سردرگمی سیاست دولتش را نشان

میدهد و هم میل و علاقه‌شان به رای مردم آمریکا برای از دست ندادن قدرت حزبی .

سیاست آشکار حزب دمکرات آمریکا ، از زمان روی کار آمدن جیمی کارتر با دکتترین مشهور به "کمر بند سبز" مشاور مشهورش برژینسکی که بر اساس نظریات آلکساندر بنیگسن ، تدوین کننده‌ی تز "اسلام علیه شوروی" طراحی شده‌بود، همواره بر محور کمک به رشد گروه‌های سیاسی اسلامی در مرزهای شوروی و خاورمیانه ، پایه‌گذاری شده‌بود.

پس از سقوط شوروی نیز این سیاست، برای سلطه بر منابع وسیع خاورمیانه و جلوگیری از بازگشت روسیه به تبدیل شدن به ابرقدرت، به کنار گذاشته نشد و با روی کار آمدن بایدن، دولت او افغانستان را، با تسلیحات پیشرفته‌ای که در حدود سیصد میلیارد دلار تخمین زده میشد، در قبال دریافت لیتیوم افغانستان، به طالبان واگذار کرد و به دولت دست نشانده‌ی خود در افغانستان دستور داد که قدرت را به طالبان واگذار کنند .

دفاع و تقویت تروریستهای اسلامی در خاورمیانه که از سال ۱۹۷۸ آغاز شد تا کنون یکی از پایه‌های اساسی سیاست خارجی دمکراتها در آمریکا بوده است. دولت کارتر بیش از چهل هزار اسلامبست را از کشورهای مختلف اسلامی در پاکستان به نام مجاهدین افغانی سازماندهی کرد و به جنگ با دولت افغانستان گسیل داشت .

در همان حال دولت کارتر در کنفرانس گوادالوپ با همراهی انگلستان و فرانسه، تصمیم به کمک به روی کار آوردن خمینی را گرفت. دولت کارتر بنا به اسناد افشا شده به توسط سفیر آمریکا در فرانسه و در ایران با دکتر یزدی نماینده خمینی برای تماس با آمریکا و نمایندگان خمینی در ایران در تماس بود و بر اساس نوشته‌های دکتر عباس میلانی، مدیر برنامه‌ی مطالعات ایران در دانشگاه استنفورد و همچنین نوشته‌های خود دکتر یزدی که البته در بیان راستگویانه‌ی جریان گفتگوهایش باید شک کرد؛ آمریکا با فرستادن ژنرال هایزر به ایران ، سران ایران را به تماس با اسلامبستها و عدم واکنش بر علیه خمینی وادار کرد .

هلیزر از ۱۴ دیماه ۱۳۵۷ تا ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ در ایران ماند و ماموریت خود را با موفقیت انجام داد .

پس از کارتر، باراک اوباما پیگیرترین مدافع و تقویت کننده‌ی رژیم جمهوری اسلامی بود که در این اواخر گویا به خطابودن روش خود اقرار کرده‌است؛ او با بستن پیمان برجام در فازی به رژیم جمهوری اسلامی یاری رساند که مردم ایران به وسیله‌ی جنایتکاران رژیم سلاخی میشدند .

خیزش سراسری ملل ایران، جنبش ژینا، چنان بر افکار عمومی جهانیان تاثیر گذاشته که آقای بایدن رئیس جمهور متمایل به اسلامگراها و حزبش، مجبور میشوند سیاست خود را تغییر دهند. آنان به نیکی میدانند که سقوط رژیم جمهوری اسلامی، آغاز پایان زندگی سازمانهای تروریستی اسلامی در خاور میانه است. از همین رو جو بایدن هنوز، علیرغم بیان دو جمله‌ی اخیر، موضعگیری روشنی در قبال جمهوری اسلامی تروریست نگرفته‌است. اما آنچه که عیان است نه آقای بایدن و نه هر شخص و حزب سیاسی دیگری که قدرت را در آمریکا به دست آورد، قادر نخواهد بود بیش از این سیاست اسلامیزه کردن خاورمیانه را ادامه دهد. آمریکا مجبور خواهد شد که بینش و جهت سیاسی خود را در مورد ایران و خاورمیانه تغییر دهد .

این دستاورد جنبش زنان و جوانانی است که شعله‌هایش بر مزار ژینا در سقز کردستان با شعار ژن، ژیان، ئزادی برافروخت و در سراسر کشور زنان و جوانان از ملیتهای مختلف با فرهنگهای متفاوت و زبانهای مختلف، اما متحد و یکپارچه به میدان آمدند و آنرا سردادند. آنان نسل نوین جهانیاند که دریافته‌اند بدون برابری جنسیتی، بدون برابری کامل حقوق ملیتها و اقلیتها و بدون آزادی ، زندگی امکان پذیر نیست.